

نظری بر اجزاء اصلی تن جامه‌های زنانه در اندرونی دربار قاجار (از دوره فتحعلی‌شاه تا پایان عصر ناصری)

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۹۴-۱۷۹)

آمنه مافی‌تبار^۱، عبدالمجید شریف‌زاده^۲

۱- استادیار، گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲- استادیار، پژوهشکده هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

DOI: 10.22077/NIA.2023.5976.1684

چکیده

در عصر قاجار، جامه‌های زنانه به قید مکرر در منابع تاریخ‌نگاری از جمله سفرنامه‌های سیاحان خارجی مورد اشاره قرار گرفته و در قالب نقاشی و عکس به تصویر درآمده است. با این وجود در بسیاری پژوهش‌های متأخر در این حوزه، ابهام و آشفتگی در تبیین جزئیات بالاپوش زنانه قاجاری و کیفیات آن قابل دریافت است؛ چه بسا یک پوشش مشخص مثل ارخالق یا کلیجه تحت عنوان دیگری تعریف شده یا رونق استفاده از آن به تمامی بازه وسیع تاریخ قاجار تعمیم یافته است. با هدف ترمیم این کاستی، مقاله پیش‌رو، اصلی‌ترین و پرکاربردترین اجزاء پوشش زنانه دربار قاجار را به چالش درآورد و ویژگی‌های کیفی این نوع جامگان همچون فرم، جنسیت و رنگ را بررسی نمود. جهت جزئی‌نگری بیشتر و امکان ایجاد مقایسه، دوره فتحعلی‌شاه تا پایان حکومت ناصرالدین‌شاه مصداق بررسی قرار گرفت. پرسشی که در راستای این هدف تعریف شد، آن بود: اصلی‌ترین اجزاء تن جامه‌های سنتی زنانه دربار قاجار (از دوره فتحعلی‌شاه تا پایان دوره ناصری و پیش از رواج لباس اروپایی)، مشتمل بر کدام موارد است و ویژگی‌های کیفی آنها در مقایسه با یکدیگر چگونه تحلیل می‌شود؟ این پژوهش توسعه‌ای به صورت تحلیلی-تاریخی و با استفاده از مطالعات اسنادی، متن‌خوانی و تصویرخوانی، به شیوه کیفی و با نمونه‌گیری طبقه‌بندی احتمالی سی تصویر به هدف خود دست یافت و نتیجه نشان داد: اصلی‌ترین اجزاء تن جامه زنانه دربار عصر قاجار مبتنی بر پیراهن، ارخالق و کلیجه بود. پیراهن در میان تمام اقشار جامعه استفاده داشت اما درباره منسوجات کاربردی در این مصرف، پارچه‌های حریر در سطح دربار مقبول‌تر می‌نمود. ارخالق، روپوش کوتاهی روی پیراهن بود که آستین آن در صورت مختلف کوتاه، بلند و سنبله‌دار تعریف می‌شد و نوع متأخر آن با جلوه تزئینی بیشتر به چیگن معروف بود. انواع پارچه‌های ساده، محرمات و منقوش در دوخت ارخالق به کار می‌آمد که متأثر از وضع اقتصادی پوشنده بود. در دوره ناصرالدین‌شاه، کلیجه بیش از پیش رواج گرفت که هرچند آن را بیشتر مناسب فصل سرما می‌شمارند اما ظاهراً در تمام فصول پوشیده می‌شد. این بالاپوش که تا میانه‌های ران بود، غالباً آستین‌هایی تا آرنج داشت؛ بسیار شبیه به نوع مردانه و همچون آن، خاص متمولین بود و به همین نسبت پارچه‌های ساده‌گرانبها همچون مخمل یا منقوش به ویژه ترمه در دوخت آن استفاده می‌شد. بدین قیاس، دستاورد مشخص این مقاله بر آن گواهی دارد که افزون‌بر پیراهن به عنوان پوشش معمول؛ ارخالق و کلیجه، دو نوع تقریباً متفاوت از بالاپوش زنانه بودند: ارخالق در دوره فتحعلی‌شاهی رواج داشت اما در تداوم استفاده از آن با تغییر در اندازه آستین‌ها و کوتاه شدن آنها، ارخالق در عصر ناصری به هر دو صورت رواج داشت. هم‌زمان در این دوره، کلیجه به تبعیت نوع کارکرد، با پارچه‌های مرغوب‌تر دوخته شد و بیش‌از پیش رونق گرفت چنانکه اعتبار این شکل از تن جامه نسبتاً بلند زنانه با عصر ناصرالدین‌شاه گره خورده است.

واژه‌های کلیدی: لباس قاجار، تن جامه زنانه، فتحعلی‌شاه، محمدشاه، ناصرالدین‌شاه.

1- Email: a.mafitabar@art.ac.ir

2- Email: s_a_majidsharifzade@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نویسنده اول با عنوان «تحلیل و طبقه‌بندی طرح و نقش پارچه‌های عصر قاجار» است که در قالب ارتباط دانشگاه هنر با جامعه و صنعت در پژوهشکده هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری به تصویب و تحت نظر ایشان به انجام رسیده است.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱)

مقدمه

این نوع پوشش‌ها از منظر منسوجات کاربردی است که با رجوع به منابع تاریخ‌نگاری یعنی سفرنامه‌ها به دست می‌آید و در قیاس با اسناد مصور هم‌سنجی می‌شود؛ درحالی‌که در بیشتر مطالعات پیشین، این دقایق در سایه اهمیت فرم و شکل لباس از یاد رفته است. با این نگاه، آنچه در پی می‌آید پس از اشاره‌ای کوتاه به ویژگی‌های لباس اندرونی زنانه در عصر قاجار، پیراهن، ارخالق^۱ و کلیجه^۲ را محل بررسی قرار می‌دهد و نتیجه را عرضه می‌کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی - تاریخی نسبت به بررسی انواع تن‌جامه زنانه درباری در عصر قاجار اقدام می‌کند و دوره فتحعلی‌شاه تا پایان دوره ناصری را هدف قرار می‌دهد. جهت دستیافت به نتیجه، از میان منابع تاریخ‌نگاری، نزدیک به پانزده سفرنامه به قلم مورس دوکوژبونه^۳، جیمز فریزر^۴، جیمز تانکوانی^۵، پیر امده ژوبر^۶، ادوارد اسکات وارینگ^۷، گاسپار دروویل^۸، الکسیس سولتیکف^۹، مادام کارلا سرنا^{۱۰}، ایزابلا بیشوپ^{۱۱}، یاکوب پولاک^{۱۲}، ژان دیولافوا^{۱۳}، س. ام. مک‌گرگور^{۱۴}، چارلز جیمز ویلز^{۱۵} فیش‌برداری می‌شود که تقریباً نیمی به دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه و نیمی دیگر به عهد ناصرالدین‌شاه تعلق دارد. در این مسیر، اسناد مصور مبتنی بر نمونه‌های ملموس منسوجات، عکس و نقاشی مطالعه می‌شود تا این پژوهش توسعه‌ای با روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای شکل بگیرد. نمونه‌گیری به صورت طبقه‌بندی احتمالی است تا جامعه آماری مشتمل بر اصلی‌ترین اجزاء تن‌جامه‌های زنانه دربار قاجار مشتمل بر پیراهن، ارخالق و کلیجه، به شیوه تحلیل کیفی مورد ژرف‌نگری قرار گرفته و نتیجه با بررسی سی نمونه تصویری عرضه شود.

پیشینه تحقیق

درباره پوشش زنانه عصر قاجار، منابع متعددی به رشته تحریر در آمده که با بررسی تمام اجزاء پوشاک این عهد، چگونگی مصرف زنانه را از جهت فراز و فرود تاریخی مورد اشاره قرار داده است. از پژوهش‌های سال‌های اخیر بایست به «پوشش زنانه و مردانه عصر ناصری در نگاره‌های هزارویک‌شب

در بازه حکومت پادشاهان هفت‌گانه قاجار، بعد از قریب به یک سال فرمانروایی آغامحمدخان به عنوان مؤسس این سلسله؛ فتحعلی‌شاه (حک: ۱۲۵۰ / ۱۸۳۴ - ۱۲۱۲ / ۱۷۹۷)، محمدشاه (حک: ۱۲۶۴ / ۱۸۴۸ - ۱۲۵۰ / ۱۸۳۴) و ناصرالدین‌شاه (حک: ۱۳۱۳ / ۱۸۹۶ - ۱۲۶۴ / ۱۸۴۸) به صورت متوالی بر ایران فرمانروایی کردند. در این میان، فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه به دلیل پادشاهی طولانی مدت از یک سو و علاقه به اعتلای فرهنگ و هنر ایران از سوی دیگر در پوشش مردم و خاصه درباریان، تأثیرگذار شدند. سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا (۱۲۹۰ / ۱۸۷۳، ۱۲۹۵ / ۱۸۷۸ و ۱۳۰۶ / ۱۸۸۹)، بر گستره و شدت این تحولات افزود (ر. ک. زرین کوب، ۱۳۹۴) و البته که این تغییرات در عرصه پوشاک زنانه بیشتر در شکل پاجامه به‌ویژه دامن خود را نشان داد؛ موضوعی که به کرات در دیگر پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. درمقابل، مقاله حاضر بر آن است تا اصلی‌ترین اجزاء تن‌جامه زنانه را در مقیاس دربار به چالش بگیرد زیرا در واقعیت، بیشترین میراث به‌جای مانده از آن دوره (مبتنی بر نمونه‌های ملموس در موزه‌ها، عکس، نقاشی و حتی اسناد مکتوب) زندگی این طیف از جامعه را به تصویر می‌کشد و از این مسیر اطلاعات بیشتری از ایشان نسبت به عامه مردم به دست می‌دهد. با این حساب، ویژگی‌های کیفی تن‌جامه‌های اندرونی زنانه رایج در دربار قاجار از منظر شکل و فرم، منسوجات کاربردی، رنگ و حتی تا اندازه‌ای از باب طرح و نقش مدنظر قرار می‌گیرد و پرسش آن است: اصلی‌ترین اجزاء پوشش سنتی زنانه در دربار قاجار (از دوره فتحعلی‌شاه تا پایان دوره ناصری و پیش از رواج لباس اروپایی) کدام است و ویژگی‌های کیفی آنها در مقایسه با یکدیگر چگونه تعریف و تحلیل می‌شود؟ در اهمیت انجام این پژوهش آنکه در بسیاری از پژوهش‌هایی که پیش‌تر به انجام رسیده؛ جایگاه تن‌جامگان زنانه قاجاری در هجمه سنگین تطور پاجامگان ایشان نادیده مانده است. ازسوی دیگر در بسیاری از پژوهش‌ها، اجزای اصلی تن‌جامه زنانه به عنوان مصداق اصلی این پژوهش با اصطلاحات نابه‌جا و در برخی موارد مغشوش و غلط تبیین شده است. نکته دیگر آنکه، یکی از اهداف این مقاله، ژرف‌نگری در جزئیات

چگونگی تطور اجزاء مختلف پوشش زنان را از منظر مذهب، سیاست، اقتصاد و فرهنگ بررسی می‌کند و البته که در ذکر چگونگی ظرایف برخی اجزاء لباس همچون ویژگی‌های شکلی آنها سترون باقی می‌ماند. مانا اباذری و حبیب‌الله طیبی (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان قاجار قبل و بعد از سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ» (مطالعه موردی: لباس سنتی و لباس تجدد بانوان) در دوفصلنامه پژوهش هنر، تغییرات پوشش زنان عهد ناصری را به مطالعه درمی‌آورند. ایشان در این مدخل نه فقط تن‌جامه که پاجامه و پوشش بیرونی بانوان را در دوره گذار به مدرنیته محل توجه قرار داده و مسلم آنکه به سبب اهمیت پاپوش و لباس بیرونی در این منظر، مسئله تن‌جامه کمتر محل بحث و فحص واقع می‌شود. درمقابل، زهرا سموعی (۱۳۹۳) در مقاله «نگاهی به لباس اندرونی زنان در سفرنامه سیاحان عصر قاجار» در فصلنامه تاریخ نو سفرنامه‌های آن عهد را به عنوان منبع دست اول برای پژوهش در پوشاک به واکاوی می‌گیرد و ضمن ارائه طبقه‌بندی تاریخی متناسب با ادوار پادشاهی به برخی از جزئیات، البته صرفاً به شکل توصیفی ورود می‌کند و درمقابل تحلیل را به مخاطب واگذار می‌نماید. در شکل کلی‌تر می‌توان به مقالات دانشنامه ایرانیکا با عنوان «پوشاک دوران صفویان و قاجاریان» و به قلم لیلا دیبا (۱۳۹۱) در پوشاک در ایران زمین اشاره کرد که به انواع لباس زنانه و مردانه در عصر قاجار می‌پردازد. در نگاه مشابه، هشت هزارسال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی از مهرآسا غیبی (۱۳۸۵) است که در فصلی از آن پوشاک عصر قاجار و خاصه صورت زنانه به توصیف درآمده است. غیبی در کتاب خود، شرح نسبتاً جامعی از پوشش زنان در دوره قاجار ارائه می‌کند اما در تبیین موضوع به تعبیر کلی عهد قاجار بسنده کرده و از ورود به جزئیات هر دوره پادشاهی اجتناب نموده است. درعین حال لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز نوشته یحیی ذکاء (۱۳۳۶) از قدیم‌ترین مواردی است که پوشش زنان قاجار می‌پردازد. با نظر به چنین پیشینه‌ای، دستاورد مقاله حاضر آن است که فارغ از نگاه گسترده بر تمام اجزاء پوشاک زنانه و مردانه، سه جزء از اصلی‌ترین تن‌جامگان زنانه قاجاری را در فضای اندرونی دربار به چالش می‌گیرد و جزئیات آن را از منظر

صنیع‌الملک» از آمنه مافی تبار (۱۴۰۰) در ماهنامه باغ نظر اشاره داشت. مافی تبار در مقاله فوق، پوشاک عصر ناصری را در دو صورت زنانه و مردانه، پیش از سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ به چالش می‌گیرد و البته که طرح و نقش پارچه‌های مصرفی در لباس را بیشتر از فرم و شکل آنها مورد تأکید قرار می‌دهد. البته پیش از آن نیز در سلسله مقالات دانشنامه ایران، «ارخالق» توسط یدالله غلامی مایانی (۱۳۹۸) مورد مطالعه قرار گرفته و چگونگی این پوشش در طول تاریخ و در شکل زنانه و مردانه به بحث درآمده است. افزون بر آن، فرشته کیاوش و محمدتقی آشوری (۱۳۹۸) در مقاله «نقش عوامل فرهنگی بر تحول لباس زنان از سلطنت ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار» در نامه هنرهای تجسمی و کاربردی به صورت خاص بر عصر ناصری تمرکز کرده و عوامل تأثیرگذار بر پوشش زنان و مردان آن دوره را به بررسی می‌گیرند و با توجه بیشتر به پاجامه و پوشش بیرونی، سیر تحول آن را تا به انتهای قاجار دنبال می‌کنند. البته مکتوبات دیگری نیز در این باره در قالب کتاب به چاپ رسیده‌اند که از جمله آنها پوشاک عصر قاجار از مریم مونس سرخه (۱۳۹۶) و سیری در مد و لباس دوره قاجار از مهتاب مبینی و اعظم اسدی (۱۳۹۶) است که آنها نیز اشکال پوششی این عهد را به صورت توصیفی به مطالعه درآورده‌اند. کتاب‌هایی که هرچند نسبت به شرح برخی موارد نادیده در پژوهش‌های پیشین اقدام کرده‌اند اما به دلیل به‌کارگیری اصطلاحاتی درباره انواع لباس که در برخی موارد متناقض جلوه می‌کند، بیشتر در قالب نوعی گردآوری حائز اهمیت هستند. پوشاک دوره قاجار از سهیلا شهشهانی (۱۳۹۶) نیز با رویکرد متفاوت نسبت به دو نمونه پیشین، اطلاعاتی را ارائه می‌کند که هرچند بر پوشش مردانه متمرکز است اما به دلیل رجوع به اسناد تصویری ممتاز صاحب نوآوری به حساب می‌آید. در ادامه از میان خیل پژوهش‌هایی که فراتر از نگاه کل‌نگر به صورت صرف بر عصر ناصرالدین‌شاه توجه دارد و آن را در قیاس با دوره فتحعلی‌شاهی به مطالعه می‌گیرد می‌توان به مقاله «مطالعه تطبیقی مد لباس زنان دربار فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار» به قلم مهناز جهانی و سحر چنگیز (۱۳۹۶) در فصلنامه زن در فرهنگ و هنر اشاره داشت. پژوهش مذکور در قرابت بیشتر با مقاله حاضر،

تناسب وضع مالی پوشنده از کتان یا ابریشم بود. (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۳۶) در این میان، زنان دربار به‌طور معمول؛ همچون زنان عهد افشاریه و زندیه، پیراهن را از پارچه‌ی گاز یا ململ سفید با تزیین زری و نقده می‌دوختند. (بی‌نام، ۱۳۵۲: ۶) به عبارتی خانم‌های ایرانی (حداقل متمولین) در خانه، پیراهن ضخیم نمی‌پوشیدند. پیراهن ایشان از پارچه‌ی نازک بود که روی دامن و شلوار قرار می‌گرفت. (وارینگ، ۱۳۹۷: ۹۳) چنانکه پزشک عهد ناصرالدین‌شاه قاجار می‌نویسد: «پیراهن ابریشمین به رنگ صورتی یا آبی که گلدوزی و با نخ‌های طلائی؛ حاشیه‌دوزی می‌شد و از زیر این لباس، بدن نمایان بود.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۶) پیراهنی از پارچه‌ی موسلین، گارس و امثالهم که به صورت بسیار ظریف قلاب‌دوزی و تزیین می‌شد. (دروویل، ۱۳۶۷: ۵۷ و ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۴۶) در زنان طبقه‌ی بالاتر، جنس این پیراهن، بیشتر از پارچه‌های ابریشمی و تافته‌ی نازک و لطیف بود که با برودری و گلدوزی از نخ‌های طلائی حاشیه‌دوزی می‌شد (تصویر ۱). (سولتیکف، ۱۳۳۶: ۹۵؛ ویلز، ۱۳۶۳: ۱۵۳؛ ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۹) به این تعبیر، زنان اعیان و متمولین به البسه‌ی فاخر ملبس می‌شدند و زنان فقرا، پارچه‌ی پنبه‌ای می‌پوشیدند. (دوکوتزبونه، ۱۳۶۵: ۱۸۷) اما در مجموع زنان در هر طبقه‌ای که بودند معمولاً به پوشیدن لباس‌های تیره رغبت نداشتند (ویلز، ۱۳۸۸: ۲۵۴) و به رنگ‌های آبی، سرخ یا سبز سیر تمایل نشان می‌دادند. (ویلز، ۱۳۸۸: ۱۵۹؛ سولتیکف، ۱۳۳۶: ۹۵؛ بیشوپ، ۱۳۷۵: ۳۲) به همین دلیل در وصف این شرایط آمده است: «در اندرونی، لباس زن‌ها بیشتر از پارچه‌های سرخ، ارغوانی، زرد و نارنجی بود. از تماشای این همه پارچه‌ی زیبا و تورهای ابریشمی که همه را زردوزی و نقره‌دوزی کرده، چشم هر بیننده‌ای خیره می‌گردید. لباس زنان ایرانی در خانه، بسیار پرطمطراق است. روی بازوان و بالای اندام را تنها با پیراهن زیرپوش‌مانندی که از توری نازک دوخته شده است، می‌پوشانند و روی آن با دست، نقش‌ونگار و سنگ‌های قیمتی گل‌بوته می‌دوزند. چند قطعه جواهر این پوشش بدن‌نما را کامل می‌کند.» (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۲۹) به این ترتیب، می‌توان این ادعا را پذیرفت که زن‌ها، خواجه‌ها و غلام‌بچه‌ها که در داخل اندرون، خدمتگزار بودند، رخت‌های بسیار گرانبها داشتند. (ژوبر، ۱۳۴۷: ۸۸) این

تغییرات شکل، فرم و حتی جنسیت، رنگ و تا اندازه‌ای طرح و نقش منسوجات کاربردی مورد ملاحظه قرار می‌دهد. جهت دستیافتن به چنین هدفی به صورت صرف بر بازه‌ی تاریخی خاص (پیش از رواج کت و دامن و پیراهن اروپایی در ایران) تمرکز می‌شود. از سویی آنچه بر اهمیت مطالعه‌ی حاضر می‌افزاید آن است که به‌رغم نگاه مکرر به پوشش زنانه‌ی قاجاری، در تعبیر اجزای پوششی ایشان، بسیاری از اصطلاحات به درستی به‌کار گرفته نشده‌اند چنانکه تعابیر مختلفی درباره‌ی ارخالق یا کلیچه وجود دارد که چه‌بسا یکی دیگری را بی‌اعتبار می‌کند و در بسیاری موارد یکی از این اصطلاحات برای توصیف دیگری به‌کار گرفته شده است. بر این اساس مقاله حاضر با رجوع به منابع اصیل تاریخ‌نگاری (مکتوب و مصور) نسبت به بهبود این نارسایی اقدام می‌نماید.

لباس اندرونی زنانه

پوشش زنان در اندرونی دربار قاجار، در برخی موارد همچون شکل و فرم، نظیر مردم عامی می‌نمود و در برخی دیگر چون جنسیت از آنها مجزا می‌شد. افزون‌بر این، صور پوششی ایرانیان در طول بازه‌ی تاریخی افزون بر یک قرن حکومت قاجاریان ثابت نبود یعنی تغییراتی را تجربه کرد که در نتیجه‌ی آن، بعضی انواع جایگزین برخی دیگر شد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۸۴) به عنوان نمونه، به گواهی اسناد مکتوب و مصور، پیراهن و ارخالق از اصلی‌ترین اجزاء تن‌جامه زنانه در دوره‌ی فتحعلی‌شاه به حساب می‌آمد اما در دوره‌ی محمدشاه و مهم‌تر از آن ناصرالدین‌شاه، کلیچه به تدریج اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. نکته آنکه هرچند انواع دیگری همچون جلیقه به عنوان تن‌جامه، کاربرد داشت اما شواهد متنی و تصویری از آن حکایت دارد که در بازه‌ی زمانی و مکانی مورد بحث یعنی حرمسرای دربار قاجار استفاده از آن صورت گسترده پیدا نکرد چنانکه به عنوان نمونه ارخالق در ادامه‌ی حیات خود از رونق افتاد و جای خود را به کت داد:

پیراهن زنانه‌ی قاجاری

اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین جزء لباس زنان ایرانی عصر قاجار در اندرونی، پیراهن بود که بین تمام اقشار ثابت می‌نمود و به

گلدوزی شده بود که زیر یا روی پیراهن پوشیده می‌شد.» (دیبا، ۱۳۹۱: ۲۲۰) این امر در تصویر ۵ و همینطور دقت در جزئیات پوشش تاج السلطنه در تصویر ۸ قابل بازیابی است. در مجموع آنکه نتیجه این تطبیق نشان می‌دهد هرچند به موازات، دیگر جنسیت‌ها با ضخامت بیشتر نیز در تهیه پیراهن زنانه کارآمد می‌نمود (تصویر ۹) اما در بازه تاریخی مورد بحث، به رغم تحولات پیش‌آمده در دیگر عرصه‌ها و حتی اجزاء اصلی پوشش؛ پیراهن‌های نازک مقبول بود و ظاهراً نسبت به سایر انواع رجحان داشت. به عبارتی در سرتاسر این عصر، شاید فقط فرم پیراهن، در شکل و فرم یقه تغییر جزئی پیدا کرد اما جنسیت، رنگ و تزیینات پارچه‌های مورد استفاده که معمولاً ساده بود و بعد با عملیات تکمیلی رودوزی تکمیل می‌شد، بدون تفاوت محرز باقی ماند.

گلدوزی‌ها گاه همچون پیراهن زنان متمول شیراز با نخ سیاه اجرا می‌شد (تصویر ۲) ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۹) و به سیاه‌دوزی شهره بود و گاه صورت رنگین داشت اما یک ویژگی متحد در اغلب این پیراهن‌ها وجود داشت و آن بهره‌گیری از پارچه ساده و بدون طرح و نقش بود که در صورت لزوم با عملیات تکمیلی رودوزی آراسته می‌شد (جدول ۲). چنانکه در تصاویر ۳ تا ۵، پیراهن زنانه مصور در پیکرنگاری درباری (مربوط به عهد فتحعلی‌شاهی و بعد محمدشاه) در قیاس با نمونه موزه‌ای (تصویر ۶) به تطبیق درآمده و در تصاویر ۷ تا ۹، پیراهن زنانه دوره ناصری به روایت نقاشی (پیش از سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا) و عکس (پس از سفر او به اروپا) در برابر نمونه موجود (تصویر ۱۰) به مقایسه گرفته شده است. قابل توجه آنکه «یکی از نوآوری‌های پوشاک زنان این دوره، سینه‌بند

جدول ۱: پیراهن زنانه قاجاری (نگارندگان، ۱۴۰۲)

 <p>تصویر ۲: پیراهن کتانی رودوزی شده قاجاری (سیاه‌دوزی). موزه بریتانیا (لندن). (URL2: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_As1966)</p>	 <p>تصویر ۱: پیراهن ساتن زردوزی شده قاجاری. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1: https://collections.vam.ac.uk/item/O158549/blouse)</p>
--	--

جدول ۲: پیراهن زنانه در اسناد تصویری عصر قاجار در تطبیق با نمونه‌های موجود (نگارندگان، ۱۴۰۲).

 <p>تصویر ۶: پیراهن گلدوزی قاجاری. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL6: https://collections.vam.ac.uk/item/O156230/blouse-unknown/)</p>	 <p>تصویر ۵: زن قاجاری با پیراهن حریر رنگین. مجموعه هنر دولتی (لندن). (URL5: https://artcollection.culture.gov.uk/person/irani-an-qajar-dynasty)</p>	 <p>تصویر ۴: زن قاجاری با پیراهن حریر. حراج ساتبیز (نیویورک). (URL4: https://www.sothebys.com/de/auctions/)</p>	 <p>تصویر ۳: زن قاجاری با پیراهن حریر. حراج بونامز (لندن). (URL3: https://www.bonhams.com/auctions/10185/lot/101/)</p>	<p>دوره فتحعلیشاه و محمدشاه</p>
---	--	---	---	---------------------------------

 <p>تصویر ۱۰: پیراهن سوزن‌دوزی قاجاری. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL9:https://collections.vam.ac.uk/item/O155588/blouse-unknown/)</p>	 <p>تصویر ۹: زن قاجاری با پیراهن رنگین. بر اساس تصاویر موجود در کاخ موزه گلستان (تهران). (URL8:http://www.goles-tanpalace.ir)</p>	 <p>تصویر ۸: زن قاجاری با پیراهن نازک. بر اساس تصاویر موجود در کاخ موزه گلستان (تهران). (URL8:http://www.goles-tanpalace.ir)</p>	 <p>تصویر ۷: زن قاجاری با پیراهن حریر نازک. موزه هرمیٹاژ (سنت پترزبورگ). (URL7:https://www.hermitagemuseum.org/wps/portal/hermitage/digital-collection/01+paintings/82)</p>	<p>دوره ناصرالدینشاه</p>
---	--	--	--	--------------------------

بلندتر بود (تصویر ۱۳) و برخی کوتاه‌تر می‌نمود (تصویر ۱۴). برخی نیز با آستین‌های کوتاه تا آرنج دوخته و روی پیراهن پوشیده می‌شد (تصاویر ۱۱ و ۱۲). بعضی نیز دارای آستین بلند (تصویر ۱۳) و برخی هم سنبوسه‌دار (تصویر ۱۴) بود که به آن جلوه‌تزیینی بیشتری می‌بخشید. گاه طول این سنبوسه‌ها بسیار بلند بود و تا آرنج می‌رسید و در آنجا با دکمه کوچک ناپیدایی بسته می‌شد. این نوع ارخالق را «چیگن»^{۱۶} نامیده و دور تا دور آن را یراق و گلابتون‌دوزی می‌کردند. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۲۴) ارخالق زنان اعیان ایران از پارچه‌های بسیار ممتاز بافت یزد و کاشان از قبیل تافته و مخمل فراهم می‌شد. برای دوخت ارخالق، انواع پارچه‌های گرانبها به‌ویژه اقسام گلابتون‌دوزی (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۳۲ و ۸۸) و مخمل محبوب بود. (ویلز، ۱۳۸۸: ۱۵۹) نیم‌تنه‌ای از جنس ضخیم که معمولاً لایه‌دار بود و روی پیراهن به تن می‌شد. به‌واقع لباس‌های زنانه از حیث دوام با پارچه‌های لباس مردان چندان تفاوتی نداشت و گاه می‌شد که یک ارخالق از جدۀ بزرگ به نبیره تازه‌عروس به ارث رسیده و شب زفاف هم زینت خانم کوچک شود و هم جهیزیۀ او محسوب گردد زیرا غالباً نیم‌تنه‌های زنانه از ترمۀ کشمیر یا کرمان یا از زربفت و زری دوخته می‌شد که هیچ‌گاه از قیمت نمی‌افتاد و به‌علاوه نقره و یراق‌دوزی می‌شد و به سبب مادۀ اولیه نیز گرانبها می‌نمود. (رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۶۲: ۸۳) فارغ از انواع فرم ارخالق که

ارخالق زنانه قاجاری

از ابتدای دوره قاجار، زنان به رسم کهن به جای مانده از عصر صفوی روی پیراهن، ارخالق بر تن می‌کردند. ارخالق، کتی بود که نیمی از بدن را می‌پوشانید و با آنکه برخی از آنها در جلو دکمه داشت، اغلب برای جلوه کردن پیراهن زیر و گردن‌بندها آنها را نمی‌بستند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۰) بدین قیاس، ارخالق، نیم‌تنه بی‌دکمه یا دکمه‌داری بود که با سلیقه هرچه تمام‌تر دوخته می‌شد. معمولاً پارچه آنها از نوع ترمه، شال، بته‌جقه، مخمل و ماهوت و فاستونی بود یعنی پارچه‌هایی که ارزش کار کردن روی آنها به واسطه سوزن‌زی، مليله‌دوزی، کامودوزی، زری و یراق‌دوزی و امثالهم وجود داشته باشد. (شهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۲۹) با این حساب، این پوشش معمولاً از ماهوت، ترمه یا مخمل گلدوزی، مليله‌دوزی و زردوزی شده بود. البته نیم‌تنه‌های تابستان‌ها از پارچه‌های نازک‌تر دوخته می‌شد (شهری، ۱۳۸۳، ج ۴: ۳۲۹) به‌واقع ارخالق همان نیم‌تنه‌ای بسیار تنگی بود که در ترکی به «بشمه» شهرت داشت. (سولتیکف، ۱۳۳۶: ۹۵) و به سبب تنگی، غیر از کتف و کمر جای دیگری را نمی‌پوشانید (تصاویر ۱۱ و ۱۲). (ویلز، ۱۳۶۳: ۱۵۳) البته این مسئله، نقصی در پوشش اندام زنان ایجاد نمی‌کرد زیرا بانوان ایران، رسمشان بر این بود که چندین رخت روی هم بپوشند. (ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۴۶) درباره فرم ارخالق آنکه برخی از انواع آن اندکی از کمرگاه

در هر صورت تا حدود کمرگاه بود و با آستین‌های نیمه یا بلند به انضمام سنبوسه یا فارغ از آن دوخته می‌شد، از منظر پارچه‌های مورد استفاده در این پوشش، منسوجات ساده اما گرانبها همچون مخمل، همینطور منقوش به صور گیاهی و البته محرمات (راه‌راه) بسیار پر کاربرد بودند. البته پارچه محرمات بیشتر به مصرف طبقه متوسط مردم همچون خدمه دربار، نوازندگان، رامشگران، جام‌گیران و... می‌رسید (تصویر ۱۵). درمقابل مقامات عالی‌رتبه دربار، معمولاً جهت مصارف تزیینی، نوع مطلوب آن را به کار گرفتند. (مافی تبار و کاتب، ۱۳۹۷: ۹۵) مورد قابل ملاحظه دیگر درباره ارخالق‌ها، آستر و تودوزی آنهاست که بسیار در معرض توجه بوده است. در این کاربرد، استفاده از پارچه‌های پنبه‌ای و کتان با نقش گیاهی بیشتر از انواع ساده و بدون نقش مرسوم بود. چنانکه در بیشتر ارخالق‌های دوره قاجار، پارچه‌های آستری طرح‌دار و نسبتاً مطلوب خودنمایی می‌کند. نکته دیگر آنکه درمیان اجزاء مختلف تن‌جامه زنانه، ظاهراً ارخالق بیشتر از سایر اشکال بالاپوش در بازه وسیعی از حکومت قاجاریان مطلوب بوده یا به سبب مرغوبیت منسوجات کاربردی، همینطور پوشش تزیینی به عوض روزمره و... ماندگاری یافته است چراکه براساس جستجوی نگارندگان در گنجینه‌های موزه‌ها، ارخالق‌های زنانه قاجاری با تفاوت فاحش نسبت به دیگر انواع، در وجه کمی گوی سبقت را از سایرین می‌رباید و البته که در صورت کیفی نیز برتری خود را حفظ می‌کند. در تأیید این مدعا و فراوانی ارخالق در دوره قاجار، بازنمایی این پوشش بر پیکر زنانه در اسناد تصویری عصر فتحعلی‌شاهی (تصاویر ۱۵ تا ۱۷)، دوره محمدشاه (تصویر ۱۹) همینطور دوره ناصری، قبل (تصویر

۲۰) و بعد از سفر به اروپا (تصویر ۲۱) به کرات قابل ملاحظه است. با نظر به جزئیات ذکر شده درباره ارخالق زنانه، می‌توان چنین فرضیه‌ای را مطرح ساخت که هرچند ارخالق مردانه^{۱۷} به شکل و صورت متناسب ایشان، تحت همین اصطلاح و به عنوان نوعی از پوشش اندرونی درمیان مردان رواج داشت اما توجه به ویژگی‌های کیفی ارخالق زنانه به ویژه جنسیت پارچه مورد استفاده در دوخت و آسترکشی و همینطور اهمیت و اعتبار این شکل از پوشش، آن را با انواعی از بالاپوش بیرونی مردانه یعنی قبا^{۱۸} (تصویر ۱۷) قابل مقایسه می‌سازد. گمانه‌ای که شاید بتوان آن را در پژوهشی دیگر به چالش گرفت. چنانکه «مؤلف تاریخ کاشان در ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م به تفکیک از ارخالق‌های مردانه، زنانه، تابستانی، زمستانی و ارخالق‌های علما، کارگزاران، تجار و طبقه متوسط و وجود انواعی چون حسنی و تزییناتی چون قلمکار و پارچه‌هایی چون چیت فرنگی و الچه (گونه‌ای قماش راه‌راه) یاد کرده است.» (غلامی مایانی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۶۳۴) فرضیه دیگری که براساس مقایسه کمی تصاویر به جای مانده از آن عهد قابل ادعاست اینکه استفاده از ارخالق‌های آستین کوتاه در دوره فتحعلی‌شاه و بعد هم البته محمدشاه، رواج عمده نداشته یا حداقل کاربرد آن محدود بوده است. درحالیکه در این ادوار، بهره‌گیری از ارخالق‌های آستین بلند به ویژه سنبوسه‌دار برتری بیشتری داشته است. درمقابل به نظر می‌رسد در ادامه یعنی در دوره ناصری ارخالق با آستین کوتاه تا آرنج بیش از پیش مرسوم شد و بر پیکر زنان نشست به‌طوری‌که برخلاف گذشته با دو شکل از آستین بلند یا کوتاه عمومیت یافت.

جدول ۳: ارخالق زنانه قاجاری (نگارندگان، ۱۴۰۲)





تصویر ۱۳: ارخالق قاجاری با آستین بلند. دوخته شده با پارچه منقوش گیاهی و جانوری (گل و پرنده). موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن).
(URL12: <https://collections.vam.ac.uk/item/O152278/jacket-unknown/>)



تصویر ۱۴: ارخالق قاجاری با کمرگاه کوتاه و آستین سنبوسه‌دار. دوخته شده با پارچه محرمات نقش‌دار گیاهی. بر اساس تصاویر موجود در موزه ملی ایران (تهران).
(URL13: <https://irannationalmuseum.ir/fa>)

جدول ۴: ارخالق زنانه در اسناد تصویری عصر قاجار در تطبیق با نمونه‌های موجود (نگارندگان، ۱۴۰۲)

<p>تصویر ۱۸: ارخالق قاجاری با آستین سنبوسه‌دار. دوخته شده با پارچه محرمات. بر اساس تصاویر موجود در کاخ موزه گلستان (تهران). (URL8: http://www.golestanpalace.ir)</p>	<p>تصویر ۱۷: زن قاجاری با ارخالق آستین بلند منقوش به صور گیاهی (بته جقه) درمقابل مرد قاجاری با قبای محرمات. مجموعه خصوصی. (URL15: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:A_Portrait_of_an_Amorus_Coupleg)</p>	<p>تصویر ۱۶: زن قاجاری با ارخالق آستین بلند ساده مخمل. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL14: https://collections.vam.ac.uk/item/O133578/woman-with-a-child-oil-painting-unknown/)</p>	<p>تصویر ۱۵: زن قاجاری با ارخالق آستین بلند محرمات و نقش گیاهی. کاخ موزه سعدآباد (تهران). (فالک، ۱۳۹۳: ۳۱)</p>

			
<p>تصویر ۲۲: ارخالق قاجاری با کمرگاه کوتاه و آستین سنبوسه‌دار. دوخته شده با پارچه مخمل ساده. بر اساس تصاویر موجود در کاخ موزه گلستان (تهران). (URL8: http://www.golestanpalace.ir)</p>	<p>تصویر ۲۱: دختر قاجاری عهد ناصری با ارخالق مخمل ساده. موزه هنری بروکلین (نیویورک). (URL17: https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/113801/)</p>	<p>تصویر ۲۰: زن قاجاری عهد ناصری با ارخالق ساده آستین بلند. موزه هرمتاژ (سنت پترزبورگ). (URL16: https://www.hermitagemuseum.org/wps/portal/hermitage/digital-collection/01.+paintings/)</p>	<p>تصویر ۱۹: زن قاجاری عهد محمدشاه با ارخالق آستین بلند محرمات با نقش گیاهی. بر اساس تصاویر موجود در کاخ موزه گلستان (تهران). (URL8: http://www.golestanpalace.ir)</p>

کلیجه زنانه قاجاری (شاپکین)

نشان می‌دهد که بر خلاف ادوار پیشین، در این عهد این نوع بلاپوش در میان زنان طبقات فرادست جامعه فراگیری خاص داشته و به نوعی در رقابت با ارخالق بوده است. این شمول در شرایطی است که کلیجه پیش از عهد ناصری نیز در بین مردان عمومیت داشت زیرا این نوع بلاپوش از دوره صفویه بین مردان رواج یافت (دیبیا، ۱۳۹۱: ۲۰۶) اما در دوره محمدشاه، این بلاپوش با تحولاتی در شکل و اندازه یعنی بلندتر شدن آستین تا آرنج و کاهش قد آن تا زانو و بالاتر از آن، افزون بر مردان، به تدریج و پراکندگی میان زنان نیز دیده شد (تصاویر ۲۵ و ۲۶) و در نیمه اول حکومت ناصرالدین‌شاه و قبل از سفر به فرنگ به فراگیری رسید (تصاویر ۲۷) و بعد از آن نیز پایایی و پویایی خود را حفظ کرد (تصاویر ۲۸ تا ۳۰). تا آنجا که در بازه زمانی مورد بحث، دارایی اشخاص از کلیجه معلوم می‌شد. به این ترتیب «متمولین در هوای خنک معتدل، کلیجه داشتند که اغلب از شال، دیگر پارچه‌ها یا برک دوخته شده با آستین‌های کوتاهی که فقط تا آرنج می‌رسید و گاهی با پوستین نیز آستر می‌شد.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۸) با این حساب، ایرانیان متمول کت‌های زمستانی آراسته با پوست خز به تن می‌کردند که سراسر پیکر را می‌پوشاند. (ویلز، ۱۳۶۳: ۳۹) در نوع زنانه، این لباس همچون ارخالق در برخی موارد، آستین سنبوسه‌دار داشت و در بیشتر موارد جهت راحتی در پوشش با آستین‌های کوتاه تا آرنج جلوه می‌کرد. افزون بر آن،

زنان عصر قاجار در زمستان روی لباس زیرین، نیم‌تنه پنبه‌ای، پشمی یا ابریشمی به تن می‌کردند که معادل کلیجه مردانه بود و به شاپکین^{۱۹} شهرت داشت یا با همان اصطلاح کلیجه شناخته می‌شد. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۶؛ ویلز، ۱۳۸۸: ۳۶۰) این بلاپوش گشاد در بیشتر نمونه‌ها، جلو باز بود که معمولاً از پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای دوخته و گاهی با لفاف و تزیین پوست تکمیل می‌شد. (فریزر، ۱۳۶۴: ۴۵۸) برخی از انواع کلیجه تا زانو و برخی از آنها کوتاه‌تر بود و تا میانه‌های ران می‌رسید (تصاویر ۲۳ و ۲۴). باید در نظر داشت که هرچند معمولاً کلیجه را به عنوان پوشش فاخر زمستانی می‌شناسند اما اسناد مصور بر آن دلالت دارد که این روپوش، در انواع فارغ از پنبه‌دوزی برای دیگر ایام سال نیز کارایی داشت. با این نگاه است که افسر فرانسوی عصر ناصرالدین‌شاه قید می‌کند: «تا آنجا که من می‌توانم بفهمم در خانه بالاتنه فراخی می‌پوشند.» (مک‌گرگور، ۱۳۶۶: ۲۵۹) از سویی، انتساب کلیجه به دوره ناصری بدان معنی نیست که پیش از این تاریخ، زنان از روپوش فصل سرد بی‌بهره بودند اما اگر گیر و گرفت‌های ترجمه سفرنامه‌های قاجاری و نقایص احتمالی دریافت مشاهده‌گر که ناشی از تعلق خاطر به فرهنگ بیگانه را به کناری وانهاد، نمونه‌های تصویری مشتمل بر نقاشی‌ها و عکس‌های به‌جای مانده از دوره ناصرالدین‌شاه

در انواع زمستانی، سراسستین و یقه آن با پوست‌های نرم و قیمتی زینت می‌شد. (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۶۰) بالاپوش گشادی که در بیشتر نمونه‌ها، جلو باز بود و شباهت بسیاری به معادل مردانه داشت. در واقع شباهت کلیجه زنانه به نوع مردانه به فرم ظاهری محدود نبود بلکه به جهت بهره‌مندی از منسوجات و تزیینات ارزشمندی نیز همچون آن می‌نمود یعنی این لباس، کت آستر دار و گشاد گران‌قیمتی بود که روی لباس‌های زیرین پوشیده شده و در زمستان لایه‌ای از پنبه یا پوست داشت. در جزییات بیشتر آنکه این روپوش را از پارچه‌های مخمل، شال کشمیری و زربفت می‌دوختند و به وقت سرما یا در روزهای مهم می‌پوشیدند. انواع زمستانی مرغوب آن را از اطلس پنبه‌دوزی تهیه می‌کردند. درحقیقت پارچه کلیجه معمولاً مزین به دست‌دوزی‌های عالی و غنای آن در نوع زنانه هماهنگ با مقدار جواهری بود که خانم‌های ایرانی خود را به

آن می‌آراست. (سرنا، ۱۳۶۲: ۷۵) چنانکه بانوی باستان‌شناس عصر ناصری می‌نویسد: «کلیجه دختر کلدانی از پارچه ماهوت نفیسی است که حواشی آن با ابریشم گلدوزی شده است.» (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۶۸) بنابراین دست‌دوزی و زینت‌گری در این بالاپوش بسیار حائز اهمیت می‌نمود و البته که کیفیت منسوج مورد استفاده نیز در این ارزش‌گذاری مؤثر بود. برای دوخت کلیجه، انواع پارچه‌های طرح‌دار به ویژه ترمه (منقوش به بته‌جقه) (تصویر ۲۸) یا ساده اما فاخر همچون مخمل (تصاویر ۲۹ و ۳۰) فراوانی ویژه داشت و بهره‌گیری از پارچه محرمات مرسوم نبود. آستر نیز از انواع پارچه‌های ساده یا منقوش تهیه می‌شد اما چون اصل بر ارزش بالای این روپوش بود همانطور که پارچه محرمات در دوخت اصل لباس مورد استقبال نبود احتمالاً در تهیه آستر نیز این توجه ویژه در انتخاب و گزینش پارچه مبذول می‌شد.

جدول ۵: کلیجه قاجاری (نگارندگان، ۱۴۰۲)

 <p>تصویر ۲۴: کلیجه قاجاری با آستین کوتاه، دوخته شده با پارچه طرح‌دار و نقش گیاهی. بر اساس تصاویر موجود در کاخ موزه گلستان (تهران). (URL8:http://www.golestanpalace.ir)</p>	 <p>تصویر ۲۳: کلیجه قاجاری با آستین کوتاه، دوخته شده با پارچه مخمل ساده و رودوزی شده. بر اساس تصاویر موجود در کاخ موزه گلستان (تهران). (URL8:http://www.golestanpalace.ir)</p>
---	---

جدول ۶: کلیجه در اسناد تصویری عصر قاجار (نگارندگان، ۱۴۰۲).

 <p>تصویر ۲۶: زن قاجاری با کلیجه. مجموعه خصوصی مسعود نادر. (URL19:http://www.massoudnader.com/servlet/q.QDisplayItem-Detail?in=4106)</p>	 <p>تصویر ۲۵: زن و مرد قاجاری با کلیجه. اثر صنیع‌الملک. مجموعه خصوصی. (URL18: http://www.antiquesroom.com/antiques/antique-is- (lamic-persian-qajar</p>
---	--

 <p>تصویر ۳۰: زن قاجاری با کلیجهٔ دوخته شده با پارچهٔ مخمل ساده. بر اساس تصاویر موجود در کاخ موزه گلستان (تهران). (URL8: http://www.golestanpalace.ir)</p>	 <p>تصویر ۲۹: زن قاجاری با کلیجهٔ دوخته شده با پارچهٔ مخمل ساده. موزه هنری بروکلین (نیویورک). (URL22: https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/113806/)</p>	 <p>تصویر ۲۸: زن قاجاری با کلیجهٔ دوخته شده با پارچهٔ ترمه. موزه هنری بروکلین (نیویورک). (URL21: https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/161330/)</p>	 <p>تصویر ۲۷: زن قاجاری با کلیجهٔ آستین کوتاه. حراج بونامز (لندن). (URL20: https://www.bonhams.com/auctions/26017/lot/119/)</p>
--	---	---	--

دورهٔ ناصرالدین شاه

به این ترتیب می‌توان نتایج مشخص پژوهش فوق دربارهٔ فرم، جنسیت، رنگ، طرح و تأثیر عملیات تکمیلی پیراهن،

جدول ۷: بررسی اجزاء اصلی تن جامه اندرونی زنان دربار در دورهٔ فتحعلی‌شاه تا پایان حکومت ناصری (نگارندگان، ۱۴۰۲).

تن جامه	بازه زمانی	انواع جنسیت پارچه	رنگ‌های رایج	طرح و نقش غالب	تأثیر عملیات تکمیلی
پیراهن	سرتاسر قاجار.	ابریشمی (همچون گاز، توری، تافته، ململ، حریر، گارس، زربفت)، پنبه‌ای، کرباس و کتان (همچون چیت) و پارچه‌های کارخانه‌ای مثل موسلین و ارگانزا.	سفید و الوان	بدون طرح و نقش	انواع رودوزی (زردوزی، گلدوزی، برودری‌دوزی، سیاه‌دوزی، ابریشم‌دوزی، نقده‌دوزی، قلاب‌دوزی و...)
	از دورهٔ فتحعلی‌شاه تا پایان حکومت ناصرالدین شاه رونق داشت.	ابریشمی (همچون مخمل و زربفت)، کتان و پنبه‌ای مرغوب، پشمی (شال) به ویژه ترمهٔ کشمیر و کرمان، ماهوت، پارچه‌های کارخانه‌ای مثل فاستونی.	الوان	ساده و بدون طرح و نقش، محرمت (راه‌راه) و منقوش به اشکال گیاهی.	انواع رودوزی (گلدوزی، ملیله‌دوزی، کامودوزی، گلابتون‌دوزی، زری دوزی، نقره‌دوزی، یراق‌دوزی، قلاب‌دوزی، مروارید دوزی و...)
از دورهٔ محمدشاه و بعد از آن ناصرالدین‌شاه، بین زنان طراز اول جامعه رواج ویژه پیدا کرد.		ابریشمی (همچون زربفت، مخمل، ململ و...)، پشمی (همچون ماهوت و شال به ویژه شال کشمیری)، کتان، پنبه‌ای، پارچه‌های کارخانه‌ای مثل موسلین.	الوان	ساده و بدون طرح و نقش، منقوش به اشکال گیاهی به ویژه بته جقه (ترمه).	بیشتر منقوش به اشکال گیاهی
		پنبه‌ای، کرباس و کتان	الوان	بیشتر ساده و بدون طرح و نقش	

ارخالق و چینگی
روبه
آستر
روبه
آستر

نتیجه‌گیری
اصلی‌ترین و رایج‌ترین اجزاء پوشش زنانه در میان جامعهٔ شهری و به ویژه درباریان قاجار مشتمل بر پیراهن، ارخالق و کلیجه (شاپکین) بود. مستندات تاریخ‌نگاری آن عهد اینطور نشان می‌دهد که برخلاف برخی تعبیرهای نامأنوس که برای پوشش زنان در آن دوره به کار گرفته شده است، اصطلاحات فوق دربارهٔ طبقه‌بندی بالاپوش سنتی زنانهٔ قاجاری، آن هم در فضای اندرونی دربار کارایی بیشتری دارد. پیراهن، در دورهٔ فتحعلی‌شاه بیشتر از پارچه‌های نازک همچون حریر تهیه می‌شد. این روند در دورهٔ ناصرالدین‌شاه نیز به حیات خود ادامه داد. هرچند جنسیت‌های دیگر همچون پنبه و کتان نیز کارآمد می‌نمود اما رغبت بسیاری به منسوجات شفاف به ویژه انواع

فوق دربارۀ طبقه‌بندی بالاپوش سنتی زنانهٔ قاجاری، آن هم در فضای اندرونی دربار کارایی بیشتری دارد. پیراهن، در دورهٔ فتحعلی‌شاه بیشتر از پارچه‌های نازک همچون حریر تهیه می‌شد. این روند در دورهٔ ناصرالدین‌شاه نیز به حیات خود ادامه داد. هرچند جنسیت‌های دیگر همچون پنبه و کتان نیز کارآمد می‌نمود اما رغبت بسیاری به منسوجات شفاف به ویژه انواع

از انواع منسوجات گرانبها همچون شال، استفاده از پارچه‌های محرمات که از انواع کهنتر به حساب می‌آید در دوخت آن مورد استقبال نبود و به تعبیر بهتر رونق نداشت. در مجموع نتیجه مشخص پژوهش تأیید می‌کند این سه جزء پوششی یعنی پیراهن، ارخالق و کلیجه از اصلی‌ترین تن جامه‌های زنانه سنتی دربار در فضای اندرونی بود که دو مورد اول در عهد فتحعلی‌شاه و محمدشاه پویایی داشت و مورد سوم افزون بر گونه‌های پیشین به تدریج مقارن با فرمانروایی محمدشاه و سپس در دوره ناصری رواج گرفت. از سویی احتمالاً این انواع به لحاظ قدر و اهمیت به ترتیب با پیراهن، قبا و کلیجه مردانه در جامه بیرونی برابری می‌کرد. امید است سایر پژوهندگان با رجوع به منابع مستند عصر قاجار و ژرف‌نگری در فرهنگ و هنر آن دوره، نسبت به واکاوی درباره دیگر مصادیق به ظاهر مشخص اما فروافتاده در ورطه تکرار منابع دست چندم اقدام نمایند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- Arkhāloq: ارخالق یا آرخالیق ترکی، ارخالق واژه‌ای ترکی است و از ترکیب ارخا (یا آرخا)، به معنای پشت، و لیک یا لِق (علامت نسبت) به معنای پشتک به دست آمده است. (غلامی میانی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۶۳۴)
- ۲- Koliije: جامه بلند جلوپاز که در عصر قاجار روی لباس اصلی پوشیده می‌شد و زنان و مردان از آن استفاده می‌کردند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۵۶)
- ۳- Maurice de Kotzebue: نویسنده آلمانی در عصر فتحعلی‌شاه.
- ۴- James Baillie Fraser: (۱۸۵۶-۱۷۸۳). جهانگرد اسکاتلندی در عصر فتحعلی‌شاه.
- ۵- J. M. Tancoigne: فرستاده دولت فرانسه در عصر فتحعلی‌شاه.
- ۶- P.A.M. Jaubert: (۱۸۴۷-۱۷۷۹). فرستاده دولت فرانسه در عصر فتحعلی‌شاه.
- ۷- Edward Scott Waring: (۱۸۱۹-۱۷۴۷). جهانگرد انگلیسی در عصر فتحعلی‌شاه.
- ۸- Gaspard Drouville: (۱۸۵۶-۱۷۸۳). سیاستمدار انگلیسی عصر فتحعلی‌شاه.
- ۹- Alexey Saltykov: (۱۸۵۹-۱۸۰۶). جهانگرد روسی در عصر محمدشاه قاجار.

وارداتی همچون حریر، موسلین و ارگانزا بود. اصلی‌ترین روپوش زنان عصر فتحعلی‌شاهی، تا کمرگاه یا اندکی پایین‌تر، موسوم به ارخالق بود. گاهی آستین تا آرنج و گاهی تا مچ دیده می‌شد و در انواعی نیز آویز سنبله برای آن در نظر می‌گرفتند که در این صورت ارخالق تحت عنوان چیگن نیز شناخته می‌شد. شواهد بر آن دلالت دارد که ارخالق‌های آستین کوتاه در دوره ناصرالدین‌شاه مورد رغبت بیشتر قرار گرفت. ارخالق زنانه را از انواع پارچه ساده، محرمات و منقوش به صور گیاهی تهیه و برای تکمیل آن از آسترهای مرغوب استفاده می‌کردند. نگاه به نقاشی‌ها و عکس‌های تاریخی نشان می‌دهد، این پوشش در دوره ناصرالدین‌شاه نیز به قوت خود باقی ماند. چنانکه نمونه‌های موزه‌ای این پوشش را در زمره بیشترین گونه‌های باقی مانده از عصر قاجار به شمار می‌رود. به گواه اسناد مصور، ارزش ارخالق زنانه فراتر از صورت مشابه مردانه بود که فقط در اندرونی استفاده داشت. به‌طوری‌که ارخالق زنانه به لحاظ جنسیت و اهمیت با قبای مردانه به عنوان بالاپوش بیرونی برابری می‌کرد. درباره سومین جزء تن جامه زنانه یعنی کلیجه؛ این روپوش از دوره محمدشاه به اندک و بعد از آن در دوره ناصرالدین‌شاه، به فراوانی به عنوان بالاپوش زنان متمول در میان ایشان رواج گرفت؛ هرچند که به استناد منابع تاریخی، این بالاپوش بسیار پیش‌تر از آن در بین مردان کارایی داشت اما صور تصویری بر رواج زنانه آن در عهد ناصری دلالت دارد. کلیجه را بیشتر به عنوان بالاپوش زمستانه می‌شناسند اما ظاهراً در دو صورت تابستانه و زمستانه (پنبه‌دوزی شده) استفاده داشته است. کلیجه را از انواع پارچه ساده اما گرانبها همچون مخمل و طرح‌دار به ویژه ترمه (منقوش به بته جقه) می‌دوختند و معمولاً برای آن آسترهای ساده انتخاب می‌کردند. این روپوش در شباهت بسیار به کلیجه مردانه، آستین‌هایی تا آرنج داشت و بلندای آن نیز تا زانو یا میانه ران بود. به عبارتی برخلاف نگاه غالب به پوشاک زنانه عهد ناصرالدین‌شاه که با کوتاه شده پاجامه به‌یژه دامن تعریف می‌شود؛ در بحث تن جامه، گونه‌ای موسوم به کلیجه رواج می‌گیرد که نسبت به ارخالق بلندتر و فراخ‌تر است. نکته دیگر آنکه هرچند شواهد تصویری بر رواج و پویایی گسترده پارچه محرمات به موازات دیگر انواع منسوجات (نقش‌دار گیاهی و ساده) در دوخت ارخالق صحنه می‌گذارد اما چه‌بسا به تبعیت از ویژگی ملوکانه خاص کلیجه و بهره‌گیری آن

- بیشوپ، ایزابلا. (۱۳۷۵). *از بیستون تا زرکوه بختیاری*. ترجمه مهراب امیری. تهران: سپند.

- بی‌نام. (۱۳۵۲). *نگار زن*. تهران: انجمن بین‌المللی زنان در ایران.

- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاووس جهانداری. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.

- تانکوانی، ژ. ام. (۱۳۸۳). *نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: چشمه.

- جهانی، مهناز و چنگیز، سحر. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی مد لباس زنان دربار فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار». *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*. ۹ (۳): ۴۰۷-۳۸۵.

- دروویل، گاسپار. (۱۳۶۷). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. چاپ سوم. تهران: شبانیز.

- دوکوتزبونه، موریس. (۱۳۶۵). *مسافرت به ایران در دوران فتحعلی‌شاه قاجار*. محمود هدایت. تهران: جاویدان.

- دیبا، لیلیا. (۱۳۹۱). «دوران صفویان و قاجاریان». پوشاک در ایران زمین. ترجمه پیمان متین. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.

- دیولافوا، ژان. (۱۳۳۲). *سفرنامه ایران و کلد*. ترجمه همایون فره‌وشی. تهران: خیام.

- ذکاء، یحیی. (۱۳۳۶). *لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز*. تهران: اداره موزه‌ها و فرهنگ عامه.

- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۴). *روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلسله پهلوی*. چاپ پانزدهم. تهران: سخن.

- رحیم‌زاده صفوی، علی اصغر. (۱۳۶۲). *اسرار سقوط احمدشاه*. تهران: فردوسی.

- ژوبر، پ. آمده. (۱۳۴۷). *مسافرت در ارمنستان و ایران*. ترجمه علیقلی اعتماد مقدم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*. ترجمه علی اصغر سیدی. تهران: زوار.

- سموعی، زهرا. (۱۳۹۳). «نگاهی به لباس اندرونی زنان در سفرنامه سیاحان عصر قاجار». *فصلنامه تاریخ نو*. ۷ (۱): ۱۲۰-۱۰۳.

- سولتیکف، الکسیس. (۱۳۳۶). *مسافرت به ایران*. ترجمه محسن صبا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- شهری، جعفر. (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۱۰- Mme Carla Serena (۱۸۸۴-۱۸۲۰). نویسنده و جهانگرد فرانسوی در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۱- Isabella Bird Bishop (۱۸۳۱-۱۹۰۴). جهانگرد انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۲- Jakob Eduard Polak (۱۸۹۱-۱۸۱۸). جهانگرد آلمانی و پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه.

۱۳- Jane Dieulafoy (۱۹۱۶-۱۸۵۱). مستشرق و باستان‌شناس فرانسوی در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۴- Charles Metcalfe McGregor (۱۸۸۷-۱۸۴۰). افسر انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۵- Charles James Wills (۱۹۱۲-۱۸۴۲). پزشک و کارمند تلگراف انگلستان در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۶- Chigen: ارخالیق یا نیم‌تنه‌ای که آستین‌های آن سنبوسه‌های بلند تا آرنج داشت و در آنجا با دکمه کوچک ناپیدایی بسته می‌شد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۰)

۱۷- ارخالیق مردانه، نوعی نیم‌تنه بود که روی پیراهن و زیر قبا پوشیده می‌شد و در دو نوع تابستانی و زمستانی قابل تعریف بود. این نیم‌تنه، قبای کوتاه در زیر قبای اصلی و دارای آستر و رویه بود که در نوع زمستانی، قدری پنبه در میان داشت و معمولاً با چیت‌های رنگی دوخته می‌شد. (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۱)

۱۸- در بازه طولانی از عصر قاجار و پیش از سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا، قبا که تشخص فرد پوشنده را تعیین می‌کرد با دامن بلند پوشیده می‌شد. بالاتنه آن تا کمر چسبان و دامن آن به شکل کلوش بود اما در دوره ناصرالدین‌شاه، بلندی دامن این قباها به تدریج تا بالای زانو تقلیل یافت. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۵۳)

منسوجات طرح‌دار با نقش گیاهی، محرمانه و همینطور ساده و بدون طرح و نقش در دوخت قبا استفاده داشت.

۱۹- Shāpkin: به تعبیری همان کلیجه است، «نوعی از لباس روی زنانه که یقه ندارد و جلو باز است.» (همان: ۵۹۳)

منابع

- ابادری، مانا و طیبی، حبیب‌الله. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان قاجار قبل و بعد از سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ (مطالعه موردی: لباس سنتی و لباس تجدد بانوان)». *دوفصلنامه پژوهش هنر*. ۷ (۱۳): ۳۰-۱۵.

- شهری، جعفر. (۱۳۸۳). *طهران قدیم*. جلد اول تا چهارم. چاپ چهارم. تهران: معین.
- شهشهانی، سهیلا. (۱۳۹۶). *پوشاک دوره قاجار*. تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- غلامی مایانی، یدالله. (۱۳۹۸). «*ارخالق*». *دانشنامه ایران*. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۵). *هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*. تهران: هیرمند.
- فالک، اس. جی. (۱۳۹۳). *شمایل‌نگاران قاجار*. ترجمه علیرضا بهارلو. تهران: پیکره.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۶۴). *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس.
- کیاوش، فرشته و آشوری، محمدتقی. (۱۳۹۸). «نقش عوامل فرهنگی بر تحول لباس زنان از سلطنت ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار». *فصلنامه نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*. ۷ (۲۶): ۱۰۴-۸۵.
- مافی تبار، آمنه و کاتب، فاطمه. (۱۳۹۷). «بازیابی طرح و نقش پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاه با استفاده از پیکرنگاری درباری». *پژوهش هنر*. ۸ (۱۵): ۱۰۶-۸۷.
- مافی تبار، آمنه. (۱۴۰۰). «پوشش زنانه و مردانه عصر ناصری در نگاره‌های هزارویک‌شب صنیع‌الملک». *ماهنامه باغ نظر*. ۱۸ (۱۰۵): ۱۲۲-۱۱۱.
- مک گرگور، کنل س. ام. (۱۳۶۶). *شرح سفری به ایالت خراسان*. ترجمه مجید مهدی‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مبینی، مهتاب و اسدی، اعظم. (۱۳۹۶). *سیری در مد و لباس دوره قاجار*. تهران: الزهراء.
- مونسسی سرخه، مریم. (۱۳۹۶). *پوشاک ایرانیان در عصر قاجار*. تهران: الزهراء.
- وارینگ، ادوارد اسکات. (۱۳۹۷). *سفر به شیراز و دیگر شهرهای جنوبی*. ترجمه عبدالرضا کلمرزی و رضا صالحیان کوشک قاضی. تهران: نامک.
- ویلز، چارلز جیمز. (۱۳۶۳). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. ترجمه سیدعبدالله. به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام. تهران: زرین.
- ویلز، چارلز جیمز. (۱۳۸۸). *ایران در یک قرن پیش*. ترجمه غلامحسین قراگوزلو. تهران: اقبال.
- Diba, Layla (1998). *Royal Persian Paintings*. London: I.B. Tauris.
- URL 1: <https://collections.vam.ac.uk/item/O158549/blouse-unknown/> (access date: 10/10/2022)
- URL 2: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_As1966-01-527/ (access date: 10/10/2022)
- URL3: <https://www.bonhams.com/auctions/10185/lot/101> (access date: 10/10/2022)
- URL4: <https://www.sothebys.com/de/auctions/ecatalogue/2017/arts-of-the-islamic-world-117223/lot.128.html> (access date: 10/10/2022)
- URL5: <https://artcollection.culture.gov.uk/person/iranian-qajar-dynasty/> (access date: 10/10/2022)
- URL6: <https://collections.vam.ac.uk/item/O156230/blouse-unknown/> (access date: 10/10/2022)
- URL7: <https://www.hermitagemuseum.org/wps/portal/hermitage/digital-collection/01.+paintings/82> (access date: 10/10/2022)
- URL 8: <http://www.golestanpalace.ir/> (access date: 10/10/2022)
- URL9: <https://collections.vam.ac.uk/item/O155588/blouse-unknown/> (access date: 10/10/2022)
- URL10: <https://collections.vam.ac.uk/item/O152224/jacket-unknown/> (access date: 10/10/2022)
- URL11: <https://collections.vam.ac.uk/item/O144180/jacket-unknown/> (access date: 10/10/2022)
- URL12: <https://collections.vam.ac.uk/item/O152278/jacket-unknown/> (access date: 10/10/2022)
- URL13: <https://irannationalmuseum.ir/fa/> (access date: 10/10/2022)
- URL14: <https://collections.vam.ac.uk/item/O133578/woman-with-a-child-oil-painting-unknown/> (access date: 10/10/2022)

- URL15:https://commons.wikimedia.org/wiki/File:A_Portrait_of_an_Amorus_Couple_by_Muhammad_Sadiq_Zand_Persia_Dated_AD_1787_m.jpg (access date: 10/10/2022)
- URL16:<https://www.hermitagemuseum.org/wps/portal/hermitage/digital-collection/01.+paintings/235104>(access date: 10/10/2022)
- URL17: <https://www.brooklynmuseum.org/open-collection/objects/113801>(access date: 10/10/2022)
- URL 18: <https://www.antiquesroom.com/antiques/antique-islamic-persian-qajar-important-miniature-painting-abul-hasan-ghaffari> (access date: 10/10/2022)
- URL19:<http://www.massoudnader.com/servlet/q.QDisplayItemDetail?in=4106>(Access Date:10/10/2022)
- URL20:<https://www.bonhams.com/auctions/26017/lot/119/>(Access Date:10/10/2022)
- URL21: <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/161330>(Access Date:10/10/2022)
- URL22: <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/113806>(Access Date:10/10/2022)

A Statement on the Main Parts of Women's Clothing in Andaruni of Qajar Court (From the Era of Fath-Ali Shah to the End of the Naseri Era)

Ameneh Mafitabar¹, Seyyed Abdul Majid Sharifzade²

1- Assistant Professor, Textile and Clothing Design Department, Faculty of Apply Arts, University of Art, Tehran, Iran. (Corresponding author)

2- Assistant Professor, Research Center of Traditional Arts, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism organization, (RICHT) Tehran, Iran.

DOI: 10.22077/NIA.2023.5976.1684

Abstract

Women's clothing during the Qajar era was frequently cited in historiographical sources, such as the travelogues of foreign tourists, and portrayed in paintings and photographs. This article addresses the following question: What are the main parts of women's clothing in the Qajar court (From the era of Fath-Ali Shah to the end of the Naseri era and prior to the popularity of European clothes), and how are their qualitative characteristics compared? From the time of Fath-Ali Shah until the end of Naser al-Din Shah's reign, this article examines the form, texture, color, design, and pattern of main and frequently worn parts of women's clothing in the Qajar court, especially during the reign of Fath-Ali Shah. The objective of this developmental research and the analytical-historical study was attained by utilizing probability sampling and qualitatively reviewing documentary studies, text reading, and image reading. Results indicated that women's clothing in the Qajar court mainly consisted of shirts, Arkhalig, and Koliya. All social classes wore shirts, but their fabrics varied, with silk fabrics being more acceptable at the court level. Arkhalig is a short gown worn over a shirt with short and long sleeves as well as sleeves with triangle/samosa lace; its later type with a more decorative appearance was known as Chigen. The economic status of the wearer determined which types of simple fabrics, Mahrams, and motifs (tartan) would be used in the sewing of Arkhalig. During the reign of Naser al-Din Shah, the Koliya grew in popularity, and although it was deemed more appropriate for the winter season, it was evidently worn throughout the year. This mantle is up to the middle of the thigh and typically has sleeves that reach the elbow. Koliya is very similar to the men's kind; like the men's kind, it was a special dress of the affluent. Plain and expensive fabrics such as velvet or motifs (tartan), particularly cashmere, were frequently used in sewing Koliya.

Key words: Qajar Clothes, Women's Clothes, Andaruni Clothes, Fath-Ali Shah, Mohammad Shah, Naser al-Din Shah

1- Email: a.mafitabar@art.ac.ir

2- Email: s_a_majidsharifzade@yahoo.com